



## فهرست

۵	.....	فرو افتادگان	برگردان: سعید نفیسی
۹۷	.....	اریاب	برگردان: مهدی نوذری
۲۴۳	.....	آنها که وقتی آدمی بودند	برگردان: بهرام نیک‌گهر
۳۴۳	.....	مالوا	برگردان: حشمت‌الله نادری

فرو افتادگان

ترجمه: استاد سعید نفیسی

تقریباً هر روز پنجشنبه پیش از نماز بعد از ظهر در یک خانه کهنه و کثیف که از آن پتونیکو دکاندار بود فریادهای خشمگین زنی از دو پنجره زیرزمینی وارد حیاط تنگی می شد که هر نوع خرده ریزی را در آن جا انبار کرده بودند و در آنجا مستراح های چوبی ای قرار داشت که از بس کهنه بود دیگر سرپا نمی ایستاد.

زنی با صدای گرفته زیری فریاد کرد:  
- دست نگاه دار! دست نگاه دار! ای مست!  
- صدای بم مردی جواب می داد:  
- ولم کن.

- ولت نمی کنم، نمی گذارم، آدم کش!  
- اینها چرندست! ... باید ول کنی!  
- مرا بکش... ول نمی کنم!

- تو، مزخرف می گویی، کافر!  
- آه! به ارواح اجدادم! مرا کشت... آه! به ارواح اجدادم!...  
- باید ولم کنی.

- بزن، جانور وحشی، کارم را تمام کن!  
- باید صبر کنی، یک دفعه ممکن نیست.  
به محض اینکه سنکا پسنون که شاگرد سوکچورنگ کار بود و تمام روز را وقف رنگ آب زدن در یکی از انبارهای حیاط می کرد، وقتی که اولین